

# ویژگیهای رفتاری

## کودکان دبستانی

(۲)



## خیال پردازی

میر سعید حسینی

صحنه پنهان زندگی چیزهایی بشود. تخیلات کودک به اشیای واقعی نیازمند است تا از آنها معرفتی با برجا و حقایقی معین بسازد و مخصوصاً به چیزهایی محتاج است که دنیای بزرگسالان را برای او مهم جلوه گر سازد. کودک مایل است کارهای مربوط به بزرگسالان را انجام دهد و در بسیاری از مهارتها از روشها و تکنیکهای ایشان تقلید نماید. کودکان علی‌رغم میل طبیعی و موافقت و علاقه خود به حال و جهان معاصر در این سنین شدیداً خیال‌پرداز هستند و می‌توانند با ابتکار به ساختن بسیاری از چیزها مبادرت ورزند.<sup>۲</sup>

در این رابطه کودکان برخی از اشیا را جاندار می‌پندارند و به همین دلیل در عالم خیال خود با آن حرف می‌زنند، بازی می‌کنند، دعوا می‌کنند و به طور کلی در این حالت کودک خود را تسلیم تصورات و با خیالات خود می‌کند، بعضاً مشاهده می‌شود که وی خود را به جای شخصیت‌های معروف داستانی می‌گذارد و یا خود را بزرگتر از چیزی که هست می‌انگارد، تخیلات کودکان کرانه و مرز مشخصی ندارد آنها در خیال خود داستانهای مفضل می‌سازند و آنچه که در عالم واقع به آن نرسیده‌اند در عالم خیال برای خود تصور می‌کنند. البته در اینجا از تصاویری که در ذهن او بوجود می‌آید می‌توان به میزان توان قوه «تخیل» طفل نیز پی برد. همچنین استفاده از استدلالهای جادویی و تخیلی برای توضیح واقعتهای مهم در این دوره کاملاً رایج است چرا که کودک نمی‌تواند به صورت کامل و دقیق روابط علی و معلولی بسیاری از مسائل را به خوبی و براساس ملاکهای واقعی درک کند لذا به عالم خیال روی آورده و به جستجو و کشف علت برمی‌آید در این دوره کودکان داستانها، فیلمها و کارتونهای خیالی را بسیار دوست می‌دارند زیرا رسیدن

است که نقش مسکن را برای آدمی ایفا می‌کند. گویی همه آرزوها و تمایلات ارضا شده او در عالم خیال ارضاء شده‌اند و یا در حال برآورده شدن هستند.<sup>۲</sup>

برخی معتقدند: «آرزوی یک طفل دبستانی این است که مانند بزرگترهای خود رفتار کنند و حتی اگر از روی تقلید هم باشد، از تکرار کارها و تجارب آنها لذت می‌برد. این امر به نوبه خود محرکی است که علاقه‌ها و فعالیتهای او را هدایت نماید. طفل مایل است که بزرگترها - مخصوصاً آنها را که دوست دارد - او را بپذیرند و قبول کنند. کودک می‌خواهد در وقایع زمان معاصر شرکت جست و دربارۀ حوادث گذشته، از حادثه جوانان مین تر از خود، در

خیال‌پردازی نوعی تخیل<sup>۱</sup> انفعالی و یا تخیل آزاد و بی‌قید و شرط و نوعی صحنه‌پردازی ذهن است که در آن عقل وارده نقش ندارد و در داوری و اظهار نظر آن کنترلی نیست. هر گاه که ذهن کودک از امری عقلانی خالی بماند، خیال‌پردازی آن را پر می‌کند. در خیال‌پردازی کودک تابع آرزوهای خویش می‌شود و واقعیات را به گونه‌ای دیگر درک می‌کند، او ممکن است فردی مورد قبول نباشد ولی تصورش این است که همه او را دوست دارند و با این تخیلات خوشایند می‌کوشد خود را شاد و خرسند نماید. آنچه را که او خیال می‌کند مقرون به حقیقت نیست و اغلب صورت فریب دادن خود را دارد و تنها اثرش این

شخصیتهای خیالی این داستانها و فیلمها به خواسته خود موجب لذت کودک می شود زیرا وی در عالم حقیقت به آن دست پیدا نخواهد کرد و جالب این که احساس ماجراجویانه ای که از راه شنیدن افسانه ها در کودک پیدا می شود برای او بسیار مطلوب، خوشایند و دلپذیر است. همچنین برخی از اوقات طفل بدون توجه به جهان اطراف خود در عالمی از خیال فرومی رود و تنها خود را ملاک و میزان امور می داند. وی در عالم خیال خود را به هر نقشی در می آورد؛ نقش پدر، مادر و معلم و... ناگفته نماند که خیالپردازی اگر از حد تعادل تجاوز نماید، برای انسان یک شناخت کاذب به وجود می آورد و موجب دوری او از واقعیتهای دنیای خارج است، احتمال دارد پرواز کودک در عالم خیال وسیله ای باشد برای سرگرمی او و به راستی راه یافتن و نفوذ به عالم خیال کودکان بسیار شیرین است، چرا که او به خیال فرومی رود تا به آن تصویر ایده آل خود برسد.<sup>۱</sup>

تصور کنید دانش آموزی در کلاس در حالی که به معلم خود چشم دوخته، کاملاً از فضای کلاس بریده، در عالم دیگری سیر می کند او مثلاً در ذهن خود، روزی را تصور می کند که معلم شده و در حالی که کیفی به دست دارد وارد کلاس می شود. شاگردان در مقابل او می ایستند و او در حالی که با حالت خاصی در کلاس راه می رود یکی از شاگردان را صدا می زند تا به پای تخته سیاه آمده، درس را جواب دهد. یک چنین شخصی در عالم خیال خود مشغول اختراع می باشد. منتهی اختراع او از نوع اختراع انفعالی است زیرا انگیزه ای کوچک مثلاً نحوه سخن گفتن معلمش او را وارد عالم خیال کرده و او بدون اراده و به شکل انفعالی به دنبال بافته های خیال خود رفته و آنها را تعقیب می کند این نوع

خیالپردازی که متأسفانه نمونه های آن نیز زیاد دیده می شود، هر چند که می تواند نقش خوبی در هدفهای انسان بازی کند ولیکن عادت به آن بسیار خطرناک بوده و همان طور که اشاره کردیم نوعاً فرد را دچار شناخت غیر واقعی از خود می کند. کسانی که خود را فویتر، با هوش تر، خوش سیماتر و خوش رفتارتر از دیگران می دانند، متأسفانه اکثر این تصورات برای آنها در عالم خیال ایجاد شده است نه در واقع.<sup>۲</sup>

۲- نوعی تشفی درونی و ارضای بدلی نیازهای ارضا نشده در عالم رؤیا، به عبارت دیگر ماهیت آن نوعی مکانیزم جبرانی می باشد.

۳- گروهی ماهیت آن را نوعی بازی فکری دانسته اند که در آن کودک خود را در نقشی مورد علاقه قرار داده و هیجان انگیزتر از قهرمان واقعی به انجام رفتاری می پردازد.

۴- عده ای نیز وجود این مسئله در کودکان را حاصل نوعی مشکل روحی می پندارند که اگر این حالت از حد تعادل خارج شود وی هرگز قادر نخواهد بود به درک حقیقی از خود و جهان خارج نایل آید.

۵- برخی نیز معتقدند خیالپردازی نوعی گریز روانی است که در آن تماس با واقعیت و یا روبرو شدن با مسائل واقعی برای افراد مشکل است و تن دادن به این حالت برای فرد ظاهراً آسانتر و آرامش آور است.

۶- همچنین عوامل دیگری مانند شکستهای زندگی در خانه و مدرسه و وجود احساس حقارت نیز ممکن است در بروز این حالت مؤثر باشند.

ضمناً لازم به ذکر می باشد که این حالت در دختران بیشتر از پسران است زیرا گاه توان موضع گیرسان در برابر مسائل کمتر است و نیز آنها که توان فکری برای حل مسائل را ندارند، آنها که تیپ عاطفی و احساسی دارند، آنها که شخصیت درون گرا

و منزوی دارند و طعم محرومیت و نا کامی را چشیده اند، بیشتر به انجام این عمل مبادرت می ورزند.<sup>۳</sup>

معلمین و مربیان برای کمک به دانش آموزانی که دچار خیالپردازی هستند می بایست ابتدا به بررسی ریشه ها و منشأ آن پرداخته و ضمن کمرنگ کردن عوامل و احیاناً برطرف کردن آن سعی نمایند با اعطای آگاهی و دادن آموزشهای لازم به نوعی کودک را با واقعیتها آشنا ساخته تا وی بتواند تطابق شایسته ای بین خود و واقعیتها موجود ایجاد نماید. همچنین از جمله روشهای کارآمد در این زمینه تشویق دانش آموز برای شرکت جستن در انواع فعالیتها فرهنگی - هنری و در یک کلام تلاش هر چه بیشتر در جهت تربیت اجتماعی اوست.

#### ● بانوشتا

۱- تختل عارضت از حاضر کردن صور ادراکی در ذهن بدون حضور محرک حسی. وقتی ما درختی را که در حیاط خانه خود دیده ایم در موقعیتی دیگر، بدون حضور عین درخت تصور نمایم در واقع به تختل آن پرداخته ایم. در اهمت تختل گفته اند: اکثر اختراعات و انداعات محصول تختل است و آن را از مهمترین توانمندیهای بشری دانسته اند زیرا هر کسی در طول زندگی خود در سانه تختلات موفقیتهایی را بدست آورده است مانند داستان نویسنده معروف دانمارکی «هانس کریستین آندرسن» که در شرح زندگی وی آورده اند که او در کودکی معمولاً در عالم خیال غوطه ور بود و از آنجا که دانشمندان علوم تربیتی معتقدند که از جمله وظایف سیستم راهمایی در مقطع ابتدایی مسئله «آفرینندگی» است، لذا قوه «تختل» نقش حساسی را در این مقطع تحصیلی بازی می کند.

۲- خانواده و ناسامانیهای روانی کودکان - دکتر قاضی. صفحه ۴۱

۳- آموزش و پرورش ابتدایی - ترجمه فاسه قاضی - چاپ جهار - ۱۳۴۸ صفحات ۸۴ و ۸۵

۴- نتایج مطالعات و تحقیقات گروهی از دانشجوین رشته آموزش ابتدایی مرکز تربیت معلم دخترانه قانمشهر

۵- روانشناسی عمومی - مراکز تربیت معلم - صفحه ۱۲۴

۶- منبع شماره ۲

